

## کارگران جهان متحد شوید!

دبیر کمیته کردستان محمد آسنگران

تلفن ۰۰۴۹۱۶۳۳۴۵۸۰۰۷

E\_mail: asangaran@aol.com

مسئول ارتباطات شهرهای کردستان عبدالکبیر

تلفن ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

E\_mail:

abdolgolparian@yahoo.com

www.iskraa.net

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

اساس سوسیالیسم  
انسان است.  
سوسیالیسم  
جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m\_hekmat.com

چهارشنبه ها منتشر میشود

۲۱ مای ۲۰۰۸ ، خرداد ۱۳۸۷

سر دبیر: منصور فرزاد mansoorfarzad@yahoo.se

شدند. اینکه جمهوری اسلامی و ناسیونالیستها دست بالا پیدا کرده اند (اخیراً نیز ترویج متعارف شدن جمهوری اسلامی) و همزمان دامن زدن به ناامیدی در میان مردم و بی اعتبار کردن جنبش آزادیخواهان و کارگری تحت عنوان فرقه و سکت و...، تئوری و کار روزانه شان شد.

نام بردن از انقلاب حالشان را بر هم میزد و فیلسوفانه و با تکبر حرکات سوسیالیستی را تحت عنوان "انقلاب سواری" تخطئه میکردند و این در حالی بود که همچنان "برنامه دنیای بهتر" را ظاهراً برنامه خود میدانستند. حسن نصرالله یکی از رهبران اسلام سیاسی را قهرمان مردم لبنان کردند و به تمجید وی پرداختند. اینها همزمان کارگران، کمونیستها و مردم آزاده را با دیده تحقیر مینگرند. درحالیکه در مقابل،



منصور فرزاد

### سخنی با مظفر محمدی و اسد گلچینی

مقدمه

مظفر محمدی و اسد گلچینی که قبلاً از اعضای دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران بودند، چند سال پیش با درپیش گرفتن راه دیگری به رهبری کورش مدرسی از حزب ما جدا شدند. و آنهم تحت این عنوان که برای رسیدن به اهداف سوسیالیستی حزب، و برای پر کردن خلاء استراتژی حزب باید در شرایطی که جمهوری اسلامی سرنگون میشود با باقی مانده دولت سرنگون شده دولت موقت تشکیل داد و در آن راه از کارگران خواست که دست از مبارزه بکشند و به کارگران

اجازه اعتصاب نداد. در واقع همان وقت استراتژی خود را مطرح کردند و هنوز هم در این مسیر حرکت میکنند. تئوری دوران و "سوسیالیسم هنوز زود است" مضمون اصلی مقالات آنها شد. این دوستان سابق جهت ضعیف نشان دادن چپ و در اکثر موارد خاک پاشیدن به مبارزات کارگران و اقشار دیگر به جستجوی توجیهاتی که "مقبولیت" داشته باشد کشانیده



محمد آسنگران

### نگاهی به موقعیت احزاب در کردستان ایران و تحولات پیش رو (۲)

#### سیر تحولات سیاسی و اجتماعی در کردستان:

اولین فاکتور این تحول مهم اجتماعی وجود نسلی جوان مدرن، آگاه، و مدعی و تحول خواه در مقابل حاکمان است. جوانان کردستان مثل همه ایران اکثریت بالایی از جمعیت را تشکیل میدهند. بر خلاف دوران بعد از انقلاب ۵۷ بخش قابل توجهی از این نسل با سواد و تعداد قابل توجهی با مدارک دانشگاهی در جامعه نقش بازی میکنند. این نسل کمتر شباهتی به نسل قبل از خودش دارد و شکل و روش مبارزه خود را نه مبارزه مسلحانه ناسیونالیستی و سنتی بلکه با اتکا به جنبشهای اجتماعی پیش میبرد. این نسل توقعش از زندگی و نگرشش به جامعه و تحولات آن بسیار متفاوت از نسلهای قبل از خود است. این تحول محدود به چپ و کمونیستهای آن جامعه نیست. چنانچه اکنون کم

تاریخاً سابقه و سنتهای مبارزه ناسیونالیستی با اتکا به وجود ستم ملی و حضور و فعال بودن احزاب و جریانهای ناسیونالیستی در کردستان به هدف سهیم شدن در قدرت در عرصه سیاسی و نظامی پدید آمده است. شناخته شده در جامعه بوده است. اما سیر تحولات سیاسی اجتماعی بعد از انقلاب ۵۷ در کردستان با توجه به نقش فعال و حضور و دخالت کمونیستها در جنبشهای اعتراضی از یک سو و سیر رو به رشد و تعیین کننده طبقه کارگر و تحولات چند دهه اخیر سیمای کل جامعه دستخوش تحولات عمیقی شده است. چنانچه اکنون جامعه کردستان کمتر شباهتی به سه دهه قبل خود دارد.

صفحه ۳

### یک خواهش دارم! گفتگوی رادیو برابری با فوزیه خالصی در باره وضعیت جوانمیر مرادی و طه آزادی

صفحه ۴

حکومت نظامی اعلام نشده در سطح شوش و دستگیری گسترده کارگران هفت تپه

صفحه ۵

شرکت هیئتی از حزب کمونیست کارگری ایران در کنگره اتحادیه پست کانادا

صفحه ۵

مردم کرمانشاه در مقابل تعرض پلیس به جوانان ایستادند

صفحه ۵

پرداخت دستمزد کارگران نساجی کردستان در هفته آینده و شروع مجدد کارخانه

صفحه ۵

اعلام همبستگی کارگران لوله سازی اهواز و ایران خودرو با کارگران نیشکر

صفحه ۶

یک قتل ناموسی دیگر در آلمان!

صفحه ۶

## آزادی، برابری، حکومت کارگری!

طبقه ما و مردم آزادیخواه همیشه طبقه حاکمه و قهرمانانش را نقد و بدیده تحقیر نگریسته اند. این اتفاقات تنها یک اشتباه لپی و یا یک اشتباه در محاسبه نیست و نبوده است. این یک متد و روش سیاسی و فرهنگ طبقات متفاوت در مقابل هم را نشان میدهد. طبقه کارگر و کمونیستها امثال ناپلئون و هیتلر و خمینی و بوش را در اوج قدرت هم به تسخر کشیده و یک لحظه در ارتجاعی بودن آنها حتی در دورانی که پروژه های وسیع را عملی کرده اند، شک نکرده اند. دفاع از حسن نصرالله، سنت کمونیسم روسی و امثال حزب توده در میان منشعبین از حزب ما را به نمایش می گذارد. با این مقدمه به نکاتی از نوشته مشترک مظفر محمدی و اسد گلچینی خطاب به اتحادیه آزاد کارگران به تاریخ ماه مه ۲۰۰۸ (اردیبهشت ۸۷) مختصر اشاره ای میکنم. لازم به یاد آوری است که نکات زیادی در نوشته هست که در جای خود باید به آنها پرداخته شود.

### نگرانی های دوستان

مسئله این دوستان انتقاد و یا آنطور که اعلام کرده اند دلسوزی برای کارگران و نگرانی از عدم سازماندهی در محل کار و زیست نیست. زیرا تا چندی پیش علیرغم مبارزات هر روزه و وسیع کارگران و اقشار دیگر، مرکز توجه و پروژه اصلی آنها گارد آزادی بود. با توجه به نوشته های متعدد و مصاحبه مظفر محمدی در تلویزیون پرتو قرار بود که گارد آزادی پایه تشکیل توده وسیع مردم باشد و طبق مصاحبه های آنها "اگر این جریان پا بگیرد کسی از عهده آن بر نخواهد آمد". گارد آزادی به دلائل متعددی به جایی نرسید و نشکفته پریر شد و امروز بعد از شکست پروژه بحرانسازی در مرزها و به تبع شکست تفکر و طرز تلقی آنها از مبارزه مسلحانه در میان این صف که خود ناشی از واقعیت های سرسخت جامعه بود، می خوانیم که این مجمع عمومی کارگران است که اگر تشکیل شود کسی از عهده اش بر نخواهد بود. و اما "نگرانی" از موقعیت اتحادیه آزاد کارگران که در عین حال بطرز خصمانه ای به آن برخورد میشود، در کل نوشته مشاهده میگردد. میگویند: "این دوستان صرف نظر از هر تعریفی که

خود از "اتحادیه آزاد" دارند، و صرف نظر از اینکه هر عضو این شبکه فعالین، کارگر شاغل یا بیکار اند، صنف و بخش معینی از کارگران صنعتی، غیر صنعتی و کارخانه و کارگاه و یا لیست بیکارانی را که فرضاً در دفتر اتحادیه ثبت شده اند را نمایندگی نمی کنند. اتحادیه آزاد کارگران، اتحادیه کارگران فصلی یا اتحادیه صنعت گران فلان شهر و یا اتحادیه کارگران شهرداری یک شهر و یا شورای کارگران کارخانه ای نیست. شورا، سندیکا یا مجمع عمومی کارگران کارخانه یا صنف و شهر معینی نیست. بنا به تعریف، آزاد است. به همین دلیل ما می گوئیم اتحادیه تشکیل توده ای کارگری نیست. قبلاً هم نبود و حالا هم که اسم عوض کرده است، نیست. بلکه شبکه فعالین کارگری است و اشتباه است اگر خود را جای تشکیل توده ای کارگران بگذارد و نقش تشکیل توده ای کارگری را به عهده بگیرد و یا وظایف و شعارهایی در دستور کار خود بگذارد که از عهده اش بر نیاید و سرانجام نامید و سرخورده شود.

و یا: "اتحادیه آزاد کارگران اگر بپذیرد که یک تشکیل توده ای کارگری نیست بنابراین باید به روشنی معلوم کند که به چه کاری مشغول است و چه پروژه ای را پیش می برد. و چگونه به این میرسد. در ادامه نوشته بعد از اینکه دل خودشان را راضی کرده اند که

اتحادیه نماینده هیچ بخشی از کارگران نیست مینویسند: "فعالین کارگری جمع شده در این شبکه باید بپذیرند که اتحادیه آزاد کارگران یک تشکیل توده ای کارگری نیست. اتحادیه یک صنف کارگری و یا تشکیل یک محیط کار نیست".

دوستان! اگر شما با توجه به فضای به مراتب بهتری که در آن قرار دارید به روشنی معلوم می کردید که به چه کاری مشغول هستید و چه پروژه ای را پیش می برید و چگونه به آن میرسید، شاید آنوقت تا حدی مجاز بودید با توجه به شرایط بسیار سختی که کارگران در آن بسر میبرند، پند و اندرز بدهید. بالاخره هنوز کسی از حزب شما در باره پروژه تشکیل دولت موقت با امثال حجابریان مطلبی ننوشته و یا کسی آنرا رد نکرده است. اما عملاً می بینیم که

سیاستهایتان بر این مبنا است. هنوز برای کسی معلوم نکرده اید که چه فضائی باعث شد که کورش مدرسی پلاکارد آزادی و برابری را به گردن آویزان کند، در حالیکه تا چند ماه قبل از آن و به مدت چند سال کلیه مبارزات مردم را الاهواز زده و هخا نشان میدانست و معتقد بود که راست همه کاره است. هنوز نه مظفر محمدی و نه اسد گلچینی در

نقد حمایت حزب شان از حسن نصرالله مقاله ای ننوشته اند. نمیتوان چپ و انسانهای سکولار و آزاده در لبنان را لگد مال کرد و جانپان را ناجی معرفی نمود و آنوقت برای کارگران ایران دل سوزاند. شمائی که با دقت ریاضی از فعالین کارگری میخواهد که معلوم کنند که چه نقشه ای برای مسائل مختلف دارند، در وهله اول خودتان باید به این امر متعهد باشید. پروژه بحران سازی در مرزها مخفیانه میخواستید عملی کنید و نقشه اش را برای کسی روشن نکردید. بالاخره مشخص نشد که تئوری "حزب چند نظری" کماز نظر این دوستان حلقه ای مهم در امر تشکیلات و گسستی قاطع از سنت "فرقه ای" بود؛ چرا بمیدان آمد و کی رنگ باخت و به کجا منتهی شد. کسی حتی توضیحی دو صفحه ای در روشن کردن این تز که مدت ها ورد زبان شان بود و گویا میتوانست تغییرات اساسی در تشکیلات آنها بوجود بیاورد، ندیده است.

در نوشته مزبور، نویسندگان مجموعه ای از وظائف، که کار دهها تشکیل کارگری است را پیش پای اتحادیه آزاد کارگران گذاشته و اصرار دارند که ثابت کنند که اتحادیه هیچی نیست؛ چون این کارها را انجام نداده است. و از اتحادیه میخواهند که اهدافش را روشن کند و اعلام کند که چه نقشه ای برای تشکیل علیه بی کاری، مجمع عمومی، مبارزه بر علیه فقر و گرانی و تورم و غیره دارد. نمیتوان در وسط اجرای پروژه ای، بررسی را از پایان پروژه شروع کرد و تمام کاسه و کوزه را بر سر مجریان پروژه شکست. مسئله شبیه به این است که عده ای با شور و شوق پروژه ساختمان سازی را در دست دارند و هنوز کار به پایان نرسیده جمعی دیگر، بدون توجه به موانع واقعی از جمله ماتریال و امکانات

موجود و به بهانه اینکه ساختمان سازی بکندی پیش رفته و یا اینکه ماتریال بکار رفته در حد استاندارد نیست، فضای روانی سنگینی برای دست اندر کاران بوجود بیاورند. و از این بدتر در میانه کار، کارهای انجام نگرفته ای را که در پله های بعدی باید انجام بگیرد را بعنوان کمبود و نالایقی اجرا کنندگان قلمداد نمایند. معمولاً این چنین نقدهائی که سیر واقعی مسائل را در نظر نمیگیرد در جامعه از جانب عده ای طرح میشود. این موضع ناراضیانی است که یا ذهنی هستند و پیروسه لازم و امکانات موجود را در نظر نمیگیرند و یا در اساس مخالف شکل گیری کل پروژه هستند. جهت نوشته مظفر محمدی و اسد گلچینی به این عده شباهت دارد. قصد دارند که فضای روانی بر علیه فعالینی که میخواهند شرایط بهتری برای خود و کارگران دیگر بوجود بیاورند، شکل بدهند و با ردیف کردن مجموعه ای متنوع و غیر معقول از فعالیتها و وظائف بردوش فعالین، تلاش میکنند که آنها را نالایق و ناوارد به انجام فعالیت نشان داده و یا در نهایت منصرف کنند.

نوشته این دوستان به کار بازرسان شرکتهائی شباهت دارد که چشم بر حیف و میل آشکار و بی عدالتی های مقامات بالا مینیندند و یا در بهترین حالت سکوت میکنند، اما کار و فعالیت کارمندان جز و کارگران را زیر ذره بین میگیرند و به نام رعایت انصاف و پیش بردن فعالیت موسسه مو را از ماست میکنند. کارگران حق دارند که به چنین ارگانها و شیوه بازرسی بی اعتماد باشند. این دوستان تحقیر مردم از جانب رهبری خود را دیدند، اما دم بر نیآوردند. به مبارزات مردم خاک پاشیدند و به بهانه های کاملاً واهی، راست را قدرتمند معرفی میکردند. نسبت به سیاستهای راست حزب خودشان که به نمونه هائی از آنها اشاره کردم کرنش نشان دادند و از آن بدتر مبلغ آن گردیدند. حال همین آدمها وقتی نوبت به کارگران میرسد یک پارچه ادای کمونیست بودن در می آورند. شباهت زیادی بین این دوستان و بازرسان موسسه ها وجود دارد. خودشان به این امر واقف هستند و

به همین جهت مینویسند: "فعالینی که بنا به موقعیت کارگری شان با سکتاریسم بیگانه اند، تحت تاثیر این تبلیغات سکتاریستی و مغایر با منافع کارگران، قرار گرفته و نگران بودند که نکند در این بحثها غرض و مرضی در کار باشد". دقیقاً این چنین است. غرض و مرضی در کار هست. فعالین کارگری حق دارند به چنین دخالت هائی بی اعتماد باشند. و اما نکته آخر این که، فعالین کارگری به دلیل موقعیت خود مجبورند که هر آن فعالیتها و پروژه های ناتمام و یا انجام گرفته خود را بازمینی کنند و هر دم شیوه فعالیت خود را بر اساس تجارب، نظرات و تئوریهای راه گشا تغییر و منطبق کنند. کارگران، سازمانها و تشکلهائی را که شکل داده اند با تمام وجود حفظ میکنند، محلودیتها و کمبودها را بدون پروا علنی میکنند و در جستجوی راه های موثرتری خواهند بود. مظفر محمدی و اسد گلچینی بهتر است از کارگران یاد بگیرند و کمی از این فضای فکری غیر واقعی فاصله بگیرند. چه تشکلهایی که قبلاً ساخته شده و چه اتحادیه آزاد کارگران هم هر اشکالی داشته باشند تلاش طبقه ما را برای رهائی شان میدهد. هیچکدام از این تشکلهای کنون ادعا نکرده اند که به تشکیل توده ای تبدیل شده اند. این دوستان متوجه تعادل قوا و مشکلات راه نیستند. به همین دلیل بعد از سالها انگار کشف تازه ای کرده اند. میگویند این تشکلهای شکل فعالین کارگری هستند! عجب کشفی، آفتاب بر آمد نشان آفتاب. راهنمایی و رهنمودهای بیبرط را بگذارید کنار. کارگران سالهاست و آن هنگام که شما مشغول بحرانسازی در مرزها بودید، کار دیگری میکردند. اکنون که سرتان به سنگ خورده است و برگشته اید صبر کنید و در قدم اول به نقد پروژه های شکست خورده تان بپردازید. کسانی که مثل مبصر هر از چند گاهی سرکی میکشند و میخواهند یاس و نا امیدی و شکست طلبی خود را به کارگران تسری دهند، باید متوجه این حقیقت باشند که کسی آنها را جدی نمیگیرد.

۱۸/۵/۲۰۰۸

۱۳۸۷/۲/۲۹

## ادامه نگاهی به موقعیت احزاب در کردستان ایران و ...

نیستند جوانانی که حتی با افکار غیر سوسیالیستی اما در عرصه مسایل کودکان و در جنبش برابری طلبانه زنان فعال و نقش بازی میکنند. تولید آثار ادبی و سیاسی انبوه و سنت نوشتن و به تصویر کشیدن مسایل سیاسی و اجتماعی ویژه این دوره است. نسل قبلی آثار بسیار محدودی از خود بجا گذاشته است. حتی چپ در جامعه کردستان قبلاً کمتر دست به قلم میبرد. این هم یکی از تحولات جامعه مدرن و انسانهای مدرن است که امروزه ما شاهد انتشار صدها نشریه و روزنامه و هزاران کتاب و نوشته و... هستیم. علاوه بر این وجود اینترنت و ماهواره به خودی خود یک تحول بسیار جدی و مهم در جامعه ایجاد کرده است. اکنون دیگر فاکتور سانسور بی معنی شده است و هیچ قدرتی نمیتواند جامعه قبرستانی دوران پهلوی را احیا کند. جمهوری اسلامی با تمام سبعیتی که در کشتار و سرکوب مردم دارد نتوانسته است جامعه را ساکت و خفه کند.

در بطن چنین جامعه ای مهمترین فاکتور وجود و حضور فعال یک جنبش قوی کارگری است که هم از لحاظ تعداد و وسعت و هم از لحاظ سیاسی و اجتماعی کل سیمای جامعه کردستان را دستخوش تغییرات جدی کرده است. اکنون بیگانگی احزاب ناسیونالیست کرد با خواسته ها و فرهنگ و زندگی این طبقه بیش از پیش عیان شده است. اگر دهه های قبل احزاب ناسیونالیست کرد به دلایل تاریخی و سیاسی میتوانستند به خود اجازه بدهند که تحت عنوان "منافع ملت کرد"، "منافع ملی" و تقابل ملت دولت و ... وجود طبقه کارگر را انکار کنند، امروز دیگر ممکن نیست. اگر قبلاً حزب دمکرات کردستان رسماً وجود طبقه کارگر را انکار میکرد، اکنون همه جریانات ناسیونالیستی ناچار شده اند که به مناسبت روز جهانی کارگر اطلاعیه و بیانه و... در وصف این روز و طبقه کارگر صادر کنند. چنانچه دیگر نمیتوانند منافع کارگر و سرمایه دار کرد را زیر عنوان "منافع ملی" و "رهایی ملی" و ... پرده

علاوه بر فاکتورهای داخلی در کردستان ایران، در شرایط امروزی توجه به وضعیت عراق و استقرار احزاب اپوزیسیون کرد در این کشور، مستقیماً موقعیت احزاب ناسیونالیست کرد، افق و سیاستهای آنان و کلا موقعیت و سیر تحولات جنبش ناسیونالیسم کرد در کردستان ایران و منطقه را تحت تاثیر قرار داده است. مناسبات دوستانه احزاب ناسیونالیست حاکم در کردستان عراق با رژیم اسلامی و ممانعت از جنگ مسلحانه علیه این رژیم تنها

یک فاکتور تحمیلی به این احزاب است. فاکتور اصلی تحولات مهمی است که در جامعه کردستان ایجاد شده است. فعالین جنبشهای اعتراضی برای کسب مطالبات مردم و ایجاد موقعیت بهتر در جامعه به شکل کلاسیکتر به جنبشهای شهری روی آورده اند. رشد و تقویت جنبشهای شهری با کم رنگ شدن جایگاه مبارزه نظامی و پیشمرگانه در جامعه تناسب مستقیمی دارد. اکنون فضا برای رشد جنبشهای سیاسی- اجتماعی بسیار بیش از قبل آماده شده است.

فاکتورهای فوق یک تحول جدی سیاسی اجتماعی در جامعه کردستان را به ما نشان میدهد. یکی از این مولفه ها این تحول سابقه مبارزه حزبی و تحزب یافتگی جامعه در کردستان است. گرایش فعالین سیاسی و رهبران عملی به احزاب به امری شناخته شده و عادی تبدیل شده است. گرایش به تشکیل یابی جنبشهای اجتماعی در کردستان با اتکا به همین مولفه از سرعت و کیفیت بالاتری برخوردار شده است. این اتفاقات هم معلول نقش و دخالتگری چپ و کمونیسم در آن جامعه است و هم امکان رشد و اجتماعی شدن بیش از پیش جنبش سوسیالیستی را فراهم کرده است. حاشیه ای شدن مبارزه مسلحانه عملاً امکان رشد و نقش جنبشهای اجتماعی و توده ای را بیش از پیش برجسته کرده است.

اما علیرغم این تحولات مهم و زیور رو کننده در جامعه کردستان، به دلایل مختلفی هنوز امکان بروز و اوجگیری مبارزه مسلحانه در کردستان منتفی نیست. جنبش ما و به تبع حزب ما باید با دقت تمام و با احساس مسولیت برای به پیروزی رسیدن جنبش سوسیالیستی از همه امکانات موجود بتواند استفاده کند. زیرا اگر چه تاریخاً مبارزه مسلحانه در شکل مبارزه پیشمرگانه در خارج از شهرها و در سنت ناسیونالیسم کرد قرار داشته است. اما ما تجارب دیگری را هم پشت سر داریم. مثلاً در یک دوره معین پس از انقلاب ۵۷ مبارزه مسلحانه از لحاظ مضمون و شرایط آغاز شد ادامه انقلاب ۵۷ و مقاومت مردم کردستان در برابر سرکوب

انقلاب از جانب جمهوری اسلامی بود. این سابقه تاریخی بعلاوه شرایط سیاسی جامعه و نقش احزاب دخیل در کردستان تسلیح مردم و مبارزه مسلحانه توده ای در کردستان را بیش از سایر مناطق ایران و قبل از آنکه شرایط و موازنه قوا برای یک قیام مسلحانه فراهم شود امکان پذیر میکند.

یکی دیگر از فاکتورهای مهم جامعه کردستان، نفوذ اجتماعی چپ در کردستان و نفوذ و محبوب بودن حزب کمونیست کارگری است. این فاکتور بدلائل تاریخی و سیاسی در جامعه کردستان یکی از ویژه گیهای این دوره است. مشخصاً در شرایط امروز این یک واقعیت قابل مشاهده است که بورژوازی کرد چه از نظر نفوذ و افق و دورنمای اجتماعی خویش و چه از نظر اقتدار سیاسی و عملی و حزبی در برابر آلترناتیو سوسیالیستی کارگران و سنت سوسیالیستی مبارزه، تضعیف شده است. در کردستان به طور واضحی چپ و کمونیسم و سنت مبارزه مدرن شهری و به میدان آمدن جنبش کارگری سیر بالندگی خود را طی میکند و هم اکنون در حال پیشروی علیه رژیم اسلامی و سنتهای بورژوا ناسیونالیستی است.

این شرایط تعادل قوای معینی بین مردم و جمهوری اسلامی در کردستان ایجاد کرده است. از یکسو شهر و مبارزات کارگری و مردم در شهرها در مقایسه با سابقه مبارزات مردم در خود کردستان نقل و نقش تعیین کننده ای یافته است و از سوی دیگر نفوذ چپ باعث شده است که در مقایسه با بقیه مناطق ایران مبارزات کارگری و دیگر اقشار مردم در کردستان در موقعیت جلوتری قرار گیرد. جنبش کارگری در کردستان وارد فاز تشکیل یابی با چهره های نسبتاً سرشناس شده است، و بعنوان نیروی اصلی رهبری کننده جامعه پا به میدان گذاشته است.

جنبش دفاع از حقوق کودک، جنبش برابری طلبانه زنان و جنبش خلاصی فرهنگی جوانان با پرچم و خواسته های رادیکال خود به نیرویی قابل اتکا و تحول بخشی تبدیل شده اند. امروز در برابر جنبش کارگری و مبارزات مدرن شهری سنتهای

ناسیونالیستی، کیش پیشمرگاییتی و مبارزه پارتیزانی در "کوه" و روستاها نقش مسلط خود را از دست داده است. در شرایط حاضر جنبشهای اجتماعی و در راس آنها جنبش کارگری با نقد رادیکال و سوسیالیستی، بیش از پیش در ابعادی اجتماعی نقش بازی میکند. فعالیت و دخالتگری کمونیستها بویژه حزب کمونیست کارگری ایران برای شکل دادن و رهبری کردن این جنبشهای اجتماعی، جنبش رادیکال و سوسیالیستی را به یک نیروی مهم اجتماعی در راس اعتراضات جاری قرار داده است و جنبش کارگری را به نیرویی قابل اعتماد در جامعه تبدیل کرده است.

حزب کمونیست کارگری با اتکا بر رهبران و فعالین جنبش کارگری و سایر جنبشهای انقلابی و نقش محوری که در هدایت و رهبری این جنبشها تا کنون ایفا کرده است به یک نیروی مهم و تعیین کننده ای در جامعه کردستان تبدیل شده است.

در شرایط امروزه با توجه به اوضاع کردستان عراق و شرکت نیروهای ناسیونالیست کرد در حکومت عراق، جریانات ناسیونالیستی و دار و دسته های مسلح قومگرای کرد در کردستان ایران الگوهای نظم نوینی رسیدن به قدرت از طریق مبارزه پیشمرگاییتی و وصل شدن به قدرتهای منطقه ای و جهانی را دنبال میکنند. این سناریوها و استراتژی جریانات ناسیونالیست کرد در تقابل، و بر عکس سیر تحولات جامعه کردستان است. به همین دلیل هم شانس پیروزی این جریانات بیش از پیش کم و کمتر شده است. بنابر این طبیعی است که احزاب قومی و ناسیونالیستی پیروزی خود را در شرایط سناریو حمله نظامی آمریکا و بهم ریختن شیرازه جامعه در کردستان جستجو کنند. گرایش این جریانات به آمریکا از این واقعیت اجتماعی سرچشمه میگیرد.

در مقابل سناریو مورد نظر ناسیونالیستها، جنبش کمونیستی در کردستان با اتکا به مبارزات شهری و چپ در جامعه که در بالا توضیح داده شد جریانات ناسیونالیستی کرد را اجتماعاً نقد و تا حدود زیادی منزوی و حاشیه ای کرده است. سیر بالندگی و قدرت

## یک خواهش دارم!

گفتگوی رادیو برابری  
با فوزیه خالصی  
در باره وضعیت  
جوانمیر مرادی  
و طه آزادی

توضیح: این مصاحبه  
توسط نوید مینائی پیاده  
شده است

۱۹ اردیبهشت بود که ما رفتیم اطلاعات، آنها به ما گفتند زندانیان اینجا بوده اند ولی منتقلشان کرده اند زندان مرکزی. ما با اینکه می دانستیم دروغ می گویند ولی باز هم رفتیم به زندان مرکزی ولی آنجا هم اثری از آن ها نبود. برگشتیم به اطلاعات و گفتیم آنجا نبودند و شما دارید به ما دروغ می گویند. دیگر چیزی به ما نگفتند ولی ما را تهدید می کردند که اینجا نمانید. دو سه شب بعد با موبایل جوانمیر با ما تماس گرفتند و جوانمیر خودش صحبت کرد. به من گفت فارسی صحبت کن و حالتی بود که صدا پخش می شد و آنها صدا را ضبط می کردند. از من سوال کرد کجایی و چند نفریدی؟ و چکاره ایید و با هم چه نسبتی دارید؟ جوانمیر مرادی چند روزی در بوشهر بوده اید و در میدان آن شهر در چادر اقامت داشتید. لطفاً بگویید چه طور بود و به شما چه گفتند و در حال حاضر همسر شما کجا هستند؟

فوزیه خالصی: جوانمیر می پرسید ولی آنها از او می پرسیدند و جوانمیر با صدای خودش تکرار می کرد. و بعد از این سوالات تلفن قطع شد. تا روز بعد که باز هم ما رفتیم و به ما جواب سربالا می دادند تا روز سه شنبه که سه یا چهار روز پیش بود. که ساعت ۶ بعد از ظهر با موبایل جوانمیر زنگ زدند و جوانمیر خودش صحبت کرد. جوانمیر گفت: به ما گفته اند که می خواهند ما را به کرمانشاه منتقل کنند. من گفتم مطمئنی؟ گفت آره. ما گفتیم تا ما مطمئن نشویم که شما کرمانشاه هستید و تا کسی شما را آنجا نبیند ما از اینجا نمی رویم. که او گفت خودتان تصمیم بگیرید و گوشی را قطع کرد. البته در تمام مدتی که

بوشهر بودیم هیچ ملاقاتی نداشتیم. فقط يك ملاقات تلفنی که با دستور دادستان کل استان بوشهر که با هزار خواهش و تمنا از او گرفتیم، داشتیم که آن هم نمی دانم کجا بود که توانست با ما صحبت کند و از تلفن خود آنها بود. تا دیروز که به ما گفتند ۱۰۰٪ به شما اطمینان می دهیم که آنها کرمانشاه هستند و ما هم آمدیم کرمانشاه. امروز هم که رسیدیم کرمانشاه رفتیم ستاد خبری. ولی به ما گفتند اصلاً همچین کسانی اینجا نیستند و نیاروده اند. حالا ما واقعا نمی دانیم تکلیفمان چیست؟ بوشهر هستند؟ عسلیویه هستند؟ یا کرمانشاه هستند؟ هیچ خبری هم به ما نمی دهند.

به غیر از همسر شما چند نفر دستگیر شده اند؟

فوزیه خالصی: دو نفر هستند. جوانمیر مرادی و طه آزادی.

چه اتهامی به همسر شما زده اند؟ شاید یکی از اتهامات ایشان تلاش برای برگزاری اول ماه می بوده باشد. شما چقدر در جریان تلاش ایشان برای برگزاری مراسم اول ماه می بوده اید؟

فوزیه خالصی: جوانمیر مرادی و طه آزادی به همراه تعداد دیگری از کارگران آنجا می خواستند روز جهانی کارگر را جشن بگیرند که این حق مسلم هر کارگری ست که روز خودش را جشن بگیرد و مشکلات و خواسته های صنفی خودش را بیان کند. ولی آنها مانع شدند. همان روز جهانی کارگر اول مراسم بود قبل از اینکه مراسم شروع بشود تعدادی می آیند و کارت شناسایی جوانمیر را می خواهند. آنها کارت شناسایی جوانمیر را با خود می برند. جوانمیر برای گرفتن کارت و طه آزادی هم به دنبال او می رود. که از طه می پرسند تو چه کاره جوانمیر هستی؟ طه می گوید دوستش هستم و هر دو را دستگیر می

کنند.

به نظر شما، به عنوان همسر یکی از کارگران مجتهد بزرگ عسلیویه، مشکلات کارگران چیست؟

فوزیه خالصی: مشکلات کارگران ایران بیشتر بر سرحقوق شان است. حقوق شان را سرفوق نمی دهند، ساعات کارشان زیادست و حقوق شان کم است. طبق گفته های خود جمهوری اسلامی حقوق زیر ۶۰۰ هزار تومان زیر خط فقر است و بیشتر مردم در ایران زیر خط فقر زندگی می کنند. در صورتی که کارگر زیر ۱۸۰ هزار تا ۲۰۰ هزار تومان می گیرد. مشکلات ایمنی هم دارند و کلا مشکلات زیادی دارند کارگران.

می دانیم که کارگرانی که به عسلیویه می روند در واقع تبعید شدگان هستند و از سر ناچاری و بی کاری می روند آنجا. شنیده ایم که شما دو تا فرزند خورد سال دارید با بچه ها چه می کنید؟

فوزیه خالصی: بله ما مجبوریم از هم دور زندگی کنیم. به خاطر بی کاری به خاطر حقوق کم در شهر ها، نه تنها ما بیشتر کارگران این طور هستیم. بله ما دو فرزند داریم یکی راهنمایی و یکی دبستان. بچه ها خیلی ناراحت هستند و بعضی وقت ها از شدت ناراحتی برای پدرشان گریه می کنند، به خصوص الان که هیچ خبری از پدرشان ندارند. درست است که کارگران در بیرون خانه کار می کنند ولی خانم او هم در تمام مشکلاتش سهیم است. می بیند که کارگر صبح از خانه می رود بیرون ۱۰ الی ۱۲ ساعت کار می کند و حتی وقت نمی کند با بچه هایش حرف بزند یا بگوید بخندد. این واقعا مشکل بزرگی ست. برای چی؟ برای دستمزد، برای اینکه پولی دربیابود که خرج همان روز کند، در صورتی که جوابگوی همان روز هم نیست.

الان شما چه اقدامی می

خواهید بکنید؟ و کیلی هست که بی فکری وضعیت شان باشد؟ اصلاً کجا هستند این کارگران زندانی؟

فوزیه خالصی: در واقع این ها کاری نکرده اند که برای شان وکیل بگیریم. ولی سعی می کنیم در این رابطه صحبت هایی بکنیم. و سعی می کنیم برایشان وکیل بگیریم. در واقع این ها يك اعتراض صنفی را تبدیل به يك پرونده صنفی کرده اند.

چرا پرونده سیاسی؟

فوزیه خالصی: من هم نمی دانم؟ واقعا چرا باید يك اعتراض صنفی را تبدیل به يك رابطه سیاسی، تبدیل به يك پرونده سیاسی بکنند!

در آن چند روزی که در چادر در بوشهر بودید، آیا مردم می دیدند که زنی برای پی گیری وضع همسرش آنجا آمده؟ آیا همبستگی ای با شما بود؟

فوزیه خالصی: بله مردم بالاخره از شما دو تا فرزند خورد سال دارید با بچه ها چه می کنید؟

فوزیه خالصی: بله ما مجبوریم از هم دور زندگی کنیم. به خاطر بی کاری به خاطر حقوق کم در شهر ها، نه تنها ما بیشتر کارگران این طور هستیم. بله ما دو فرزند داریم یکی راهنمایی و یکی دبستان. بچه ها خیلی ناراحت هستند و بعضی وقت ها از شدت ناراحتی برای پدرشان گریه می کنند، به خصوص الان که هیچ خبری از پدرشان ندارند. درست است که کارگران در بیرون خانه کار می کنند ولی خانم او هم در تمام مشکلاتش سهیم است. می بیند که کارگر صبح از خانه می رود بیرون ۱۰ الی ۱۲ ساعت کار می کند و حتی وقت نمی کند با بچه هایش حرف بزند یا بگوید بخندد. این واقعا مشکل بزرگی ست. برای چی؟ برای دستمزد، برای اینکه پولی دربیابود که خرج همان روز کند، در صورتی که جوابگوی همان روز هم نیست.

الان شما چه اقدامی می

فوزیه خالصی: بله ما مجبوریم از هم دور زندگی کنیم. به خاطر بی کاری به خاطر حقوق کم در شهر ها، نه تنها ما بیشتر کارگران این طور هستیم. بله ما دو فرزند داریم یکی راهنمایی و یکی دبستان. بچه ها خیلی ناراحت هستند و بعضی وقت ها از شدت ناراحتی برای پدرشان گریه می کنند، به خصوص الان که هیچ خبری از پدرشان ندارند. درست است که کارگران در بیرون خانه کار می کنند ولی خانم او هم در تمام مشکلاتش سهیم است. می بیند که کارگر صبح از خانه می رود بیرون ۱۰ الی ۱۲ ساعت کار می کند و حتی وقت نمی کند با بچه هایش حرف بزند یا بگوید بخندد. این واقعا مشکل بزرگی ست. برای چی؟ برای دستمزد، برای اینکه پولی دربیابود که خرج همان روز کند، در صورتی که جوابگوی همان روز هم نیست.

می دانیم که کارگرانی که به عسلیویه می روند در واقع تبعید شدگان هستند و از سر ناچاری و بی کاری می روند آنجا. شنیده ایم که شما دو تا فرزند خورد سال دارید با بچه ها چه می کنید؟

فوزیه خالصی: بله ما مجبوریم از هم دور زندگی کنیم. به خاطر بی کاری به خاطر حقوق کم در شهر ها، نه تنها ما بیشتر کارگران این طور هستیم. بله ما دو فرزند داریم یکی راهنمایی و یکی دبستان. بچه ها خیلی ناراحت هستند و بعضی وقت ها از شدت ناراحتی برای پدرشان گریه می کنند، به خصوص الان که هیچ خبری از پدرشان ندارند. درست است که کارگران در بیرون خانه کار می کنند ولی خانم او هم در تمام مشکلاتش سهیم است. می بیند که کارگر صبح از خانه می رود بیرون ۱۰ الی ۱۲ ساعت کار می کند و حتی وقت نمی کند با بچه هایش حرف بزند یا بگوید بخندد. این واقعا مشکل بزرگی ست. برای چی؟ برای دستمزد، برای اینکه پولی دربیابود که خرج همان روز کند، در صورتی که جوابگوی همان روز هم نیست.

فوزیه خالصی: بله ما مجبوریم از هم دور زندگی کنیم. به خاطر بی کاری به خاطر حقوق کم در شهر ها، نه تنها ما بیشتر کارگران این طور هستیم. بله ما دو فرزند داریم یکی راهنمایی و یکی دبستان. بچه ها خیلی ناراحت هستند و بعضی وقت ها از شدت ناراحتی برای پدرشان گریه می کنند، به خصوص الان که هیچ خبری از پدرشان ندارند. درست است که کارگران در بیرون خانه کار می کنند ولی خانم او هم در تمام مشکلاتش سهیم است. می بیند که کارگر صبح از خانه می رود بیرون ۱۰ الی ۱۲ ساعت کار می کند و حتی وقت نمی کند با بچه هایش حرف بزند یا بگوید بخندد. این واقعا مشکل بزرگی ست. برای چی؟ برای دستمزد، برای اینکه پولی دربیابود که خرج همان روز کند، در صورتی که جوابگوی همان روز هم نیست.

فوزیه خالصی: بله ما مجبوریم از هم دور زندگی کنیم. به خاطر بی کاری به خاطر حقوق کم در شهر ها، نه تنها ما بیشتر کارگران این طور هستیم. بله ما دو فرزند داریم یکی راهنمایی و یکی دبستان. بچه ها خیلی ناراحت هستند و بعضی وقت ها از شدت ناراحتی برای پدرشان گریه می کنند، به خصوص الان که هیچ خبری از پدرشان ندارند. درست است که کارگران در بیرون خانه کار می کنند ولی خانم او هم در تمام مشکلاتش سهیم است. می بیند که کارگر صبح از خانه می رود بیرون ۱۰ الی ۱۲ ساعت کار می کند و حتی وقت نمی کند با بچه هایش حرف بزند یا بگوید بخندد. این واقعا مشکل بزرگی ست. برای چی؟ برای دستمزد، برای اینکه پولی دربیابود که خرج همان روز کند، در صورتی که جوابگوی همان روز هم نیست.

فوزیه خالصی: بله ما مجبوریم از هم دور زندگی کنیم. به خاطر بی کاری به خاطر حقوق کم در شهر ها، نه تنها ما بیشتر کارگران این طور هستیم. بله ما دو فرزند داریم یکی راهنمایی و یکی دبستان. بچه ها خیلی ناراحت هستند و بعضی وقت ها از شدت ناراحتی برای پدرشان گریه می کنند، به خصوص الان که هیچ خبری از پدرشان ندارند. درست است که کارگران در بیرون خانه کار می کنند ولی خانم او هم در تمام مشکلاتش سهیم است. می بیند که کارگر صبح از خانه می رود بیرون ۱۰ الی ۱۲ ساعت کار می کند و حتی وقت نمی کند با بچه هایش حرف بزند یا بگوید بخندد. این واقعا مشکل بزرگی ست. برای چی؟ برای دستمزد، برای اینکه پولی دربیابود که خرج همان روز کند، در صورتی که جوابگوی همان روز هم نیست.

ادامه دارد

### ادامه نگاهی به موقعیت احزاب در کردستان ایران و ...

جنبش سوسیالیستی هم از این واقعیت غیر قابل انکار اجتماعی نشأت گرفته است. نمایندگی کردن جنبش سوسیالیستی و اتکا به جنبش کارگری و مبارزات مدرن شهری در برابر سنتهای مبارزه پیشمرگایی و پارتیزانی که سنتاً در کوه و روستاها سابقه ای دیرینه در کردستان دارد، این امکان را برای

تنها در شرایطی ممکن است که فعالین جنبشهای اعتراضی در شرایط اعتدالی سیاسی مبارزات مردم و متعاقباً تسلیح عمومی مردم در کردستان را به عنوان بخشی از نقشه پیروزی خود مد نظر داشته باشند. حزب و جنبش ما باید برای چنین شرایطی کاملاً آماده باشد و برای تسلیح مردم در چنین شرایطی تدارک دیده باشد. تاکید من در این رابطه بر شرایط اعتدالی سیاسی

## حکومت نظامی اعلام نشده در سطح شوش و دستگیری گسترده کارگران هفت تپه

بنابه گزارشات رسیده از شهر شوش، از شب گذشته دستور سرکوب کارگران نیشکر هفت تپه صادر گردیده و در حال حاضر در شهر یک حکومت نظامی اعلام نشده برقرار کنند.

شب گذشته انبوهی از نیروهای گارد ویژه از شهرهای خرم آباد، اهواز و دزفول را به شهر شوش گسیل داشته اند. این نیروها در اتوبوسها و وانتهای گارد ویژه در نقاط مختلف شهر مستقر شده اند و یا در سطح شهر مشغول به گشت زنی هستند.

این نیروها در نقاطی مانند مرکز شهر بازار، بازار، فرمانداری و

خیابانهای اصلی شهر مستقر هستند. نیروهای گارد ویژه همچنین در تمامی نقاط ورودی شهر مسافر شدند و به محض اینکه متوجه شوند که کارگرانی را که از نقاط مختلف قصد ورد به شهر را دارند دستگیر و به نقاط نامعلومی منتقل می کنند.

نیروهای اطلاعاتی و امنیتی از صبح امروز شروع به دستگیری گسترده کارگران در سطح شهر زده اند و تا به حال دهها کارگر دستگیر شده اند. از جمله کسانی که صبح امروز در خیابانهای شهر دستگیر و به نقاط نامعلومی منتقل شدن

آقایان رحیم بساق، کورش بهمنی از قسمت تراشکاری شرکت، مهران اکبری و علی شهبازی می باشند. در حال حاضر جو شهر متشنج است و کارگران علیرغم این جو رعب و وحشت در سطح شهر حضور دارند و قصد دارند تا رسیدن به خواسته هایشان به اعتراضات خود ادامه دهند.

بنابه خبرهای موثقی که به دست کارگران رسیده فرماندار دستور سرکوب کارگران را صادر کرده است و بر نحو سرکوب کارگران خود شخصا نظارت دارد.

فعالین حقوق بشر و دموکراسی در ایران

اول خرداد ۱۳۸۷  
۲۱ مه ۲۰۰۸

## مردم کرمانشاه در مقابل تعرض پلیس به جوانان ایستادند

بنا به گزارش رسیده به سازمان جوانان کمونیست از کرمانشاه، ایجاد مزاحمت پلیس برای جوانان باعث درگیری بین مردم و نیروهای سرکوبگر رژیم شده است. در زیر گزارش ارسالی برای سازمان جوانان کمونیست را عینا می خوانید:

اقدام به دستگیری زنان و دختران بد حجاب نمودند. جوانانی که در مقابل این اقدامات ایستادگی میکردند با ضرب و شتم شدید مامورین مواجه میشدند. اما پس از گذشت ساعتی از این اقدام جوانان و مردم ناظر به این اتفاق به نشانه اعتراض پیاده روها را خالی کرده به وسط خیابانها آمدند تا مسیر تردد خودروها بسته شود. بسته شدن خیابان دبیراعظم یکی از شلوغترین خیابانهای شهر موجب درگیری شدید پلیس با مردم شد. این درگیری به جایی کشیده شد که اکثر مغازه ها و فروشگاههای این خیابان کرکه ها و دربهای خود را برای ساعتی پایین کشیدند.

حکومت مرحله جدید برخورد پلیس با زنان و جوانان را آغاز کرده است. حکومت قصد دارد با تمام قدرت سرکوب خود، در مقابل مردم بایستد. اقدام مردم کرمانشاه در دفاع از جوانان و زنان الگوی خوبی برای مقابله با تعرض حکومت است. هر کجا که پلیس قصد ایجاد مزاحمت برای زنان و جوانان را دارد باید به صحنه اعتراض عمومی به حکومت تبدیل شود. جمهوری اسلامی باید بداند که هر ایجاد مزاحمتی با گسترده ترین اعتراضات

مردم رو به رو خواهد شد و نمی تواند سرکوب کند و مردم نظاره گر باشند. تا امروز شاهد نمونه های خوبی از پاسخ مردم به این جنایات جمهوری اسلامی بوده ایم، دپروز مردم در آریاشهر و امروز در کرمانشاه. این ایستادگی و مقابله مردم باید گسترده، دایمی سراسری باشد. در هر شهر و هر منطقه باید مردم و به خصوص جوانان پیشقدم برای مقابله با تعرض حکومت به خود و دوستانشان باشند.

سازمان جوانان کمونیست به مردم و جوانان کرمانشاه برای مقابله با اوباش حکومتی تبریک میگوید و راه مقابله با مزاحمت و سرکوب حکومتی را مقابله گسترده و دایمی با آن می داند. خیابانها، کوچه ها، بازار و محلات باید محل امنی برای جوانان و زنان باشد و این با مبارزه جوانان و مردم با مزاحمت های پلیس میسر است.

مرگ بر جمهوری اسلامی  
زنده باد جمهوری سوسیالیستی  
سازمان جوانان کمونیست  
۲۸ اردیبهشت ۸۷،  
۱۷ مه ۲۱۱۸

## شرکت هیئتی از حزب کمونیست کارگری ایران در کنگره اتحادیه پست کانادا

**تصویب يك قطعنامه در حمایت از کارگران ایران و محکومیت جمهوری اسلامی**

هیئتی متشکل از داود آرام و سیاوش آذری به عنوان ناظر از طرف حزب کمونیست کارگری ایران در بیست و سومین کنگره اتحادیه پست کانادا که از ۱۳ تا ۱۷ اپریل در شهر اتاوا برگزار گردید، شرکت کردند.

در این کنگره که تعداد ۷۰۰ نفر از نماینده گان اتحادیه پست کانادا در آن شرکت داشتند، نماینده گان حزب پیامی را از طرف حزب به این کنگره ارائه دادند که در آنجا قرائت شد. این هیئت همچنین قطعنامه ای در دفاع از مبارزات کارگران ایران و محکومیت جمهوری

اسلامی به صورت اضطراری به کنگره اتحادیه پست ارائه داد که در همانجا به تصویب کنگره رسید. در این قطعنامه ضمن اعلام حمایت از مبارزات کارگری و بویژه مبارزات و اعتراضات اخیر کارگران کیان تایر و سایر بخشهای جنبش کارگری، رژیم جمهوری اسلامی به دلیل حمله به سطح معیشت و همچنین مبارزات کارگران ایران بشدت محکوم شده است.

در طول برگزاری این کنگره میز اطلاعاتی حزب، حاوی کتب و جزوات و اطلاعیه های مختلف حزب در ارتباط با وضع زندگی و مبارزه کارگران و زنان و دانشجویان و کودکان برقرار بود. میز اطلاعاتی حزب با استقبال گرم شرکت کنندگان در کنگره مواجه شد و چند صد نسخه از اطلاعیه های مختلف حزب به زبان انگلیسی در میان شرکت کنندگان توزیع گردید.

## دستمزد کارگران نساجی کردستان هفته آینده پرداخت و کارخانه شروع بکار خواهد کرد

بدنبال تعطیلی کارخانه نساجی کردستان در مورخه ۱۳۸۷/۱۶/۲ کارفرمای این کارخانه امروز به کارگران اعلام کرد روز شنبه آینده کارخانه شروع بکار خواهد کرد.

همچنین کارفرمای این کارخانه ضمن دادن مرخصی تشویقی به این کارگران تا روز شنبه آینده، به آنان اعلام نمود در مورخه ۱۳۸۷/۱۶/۳ الباقی دستمزد فروردین ماه و پس از چهار روز از آن تاریخ، دستمزد اردیبهشت ماه همه کارگران پرداخت را خواهد کرد.

لازم به یادآوری است بدنبال خاموشی دستگاههای تولیدی

نساجی کردستان از سوی کارفرما، کارگران این کارخانه ضمن عدم ترک کارخانه با امضای طوماری که آنها به استانداری کردستان تحویل داده بودند خواهان دریافت دستمزد فروردین ماه خود شده بودند که کارفرما همانموقع نصف دستمزد این کارگران را پرداخت کرد.

همچنین کارگران این کارخانه ۲۱ اردیبهشت ماه در کارخانه اقدام به برگزاری مجمع عمومی کرده و ضمن بررسی مشکلات خود، با امضای طوماری که آنها به اداره کار سنندج تحویل دادند خواهان ایجاد شورای کارگری در این کارخانه شدند.

اتحادیه آزاد کارگران ایران  
۱۳۸۷/۲/۲۳

www.ettehade.net  
k.ekhrabi@gmail.com

**یک دنیای بهتر**  
**برنامه حزب را بخوانید**  
**و در سطح وسیع توزیع کنید**

**مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!**

حکومت اند که تنها پاسخشان به خواست بحق مردم باتوم و شلاق و زندان و دادگاه است.

مبارزه شکوهمند کارگران نیشکر هفت تپه، سران حکومت را به مخصه کشانده است. ممکن است فردا ۳۱ اردیبهشت بخوانند با اعلام اینکه رئیس دادگاه حضور نداشت محاکمه را به تعویق بیندازند و در شرایط دیگری برگزار کنند و یا دست به هر توطئه و فریب و نیرنگ دیگری بزنند. نباید گذاشت از این مخصه بیرون بروند. باید بر خواست صریح لغو همه پرونده ها و پایان دادن به آذیت و آزار و تهدید و دستگیری رهبران کارگران نیشکر هفت تپه و سایر مردم حق طلب پایان داده شود. این خواست همه مردم در سراسر کشور است و حول آن و همراه با کارگران نیشکر هفت تپه باید به یک حرکت سراسری تبدیل شود و بر پرچم همه کارگران و مردم معترض و حق طلب نقش بندد.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۹ مه ۲۰۰۸

۳۰ اردیبهشت ۱۳۸۷

## کارگران لوله سازی اهواز و ایران خودرو نیز با کارگران نیشکر اعلام همبستگی کردند

سراسری تبدیل شود. فردا قرار است حکومت اسلامی، یعنی عاملین فقر و فلاکت مردم، عاملین بیکاری و محرومیت اکثریت عظیم مردم، عاملین این وضعیت نکبت باری که به سر اکثریت مردم آورده اند کارگرانی را که به جرم اعتراض به این وضعیت دست به اعتصاب و اعتراض زده اند را به میز محاکمه بکشانند. باید با سازماندهی یک حرکت وسیع و سراسری در سراسر کشور اعلام کنیم که دست حکومت و وزارت اطلاعاتش، دست دادگاه و ارگانهای حراست و سرکوش از سر کارگران و مردم کوتاه. اعلام کنیم که اگر کسی باید محاکمه شود این سران رژیم جنایتکار اسلامی هستند که حتی نان خالی را از سفره کارگران دزدیده اند و مردم را به گرسنگی کشانده اند. سران حکومت اند که رهبر و سازمانده استعمار و فساد و دزدی و چپاول کارگران و مردم محروم و زحمتکش اند و باید به پای میز محاکمه کشیده شوند. این سران

کارگران لوله سازی اهواز و جمعی از کارگران ایران خودرو بیانیتهای جداگانه ای برخورد سرکوبگرانه جمهوری اسلامی و پاسخ ندادن به کارگران نیشکر هفت تپه را شدیداً محکوم کردند و با کارگران نیشکر اعلام همبستگی کردند. قبلاً نیز اتحادیه آزاد کارگران ایران و مراکز کارگری زیر طی بیانیتهای کارگران هفت تپه حمایت کرده بودند:

انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه، کارگران کارخانه شاهو و جمعهایی از کارگران: کارخانه نساجی کردستان، پالایشگاه گاز فازهای ۹۰ و ۱۱ عسلویه، کارخانه نیرو رخش، کارخانه پریس، پتروشیمی پلی اتیلن سنگین کرمانشاه، آجر پزی سندانج، کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه و کارگران شهر صنعتی قم.

این حمایت ها هرچه بیشتر باید گسترش یابد و به یک حرکت

مغز شویی میشوند.

ما انگشت اتهام در این قتل ناموسی را بسوی سازمانهای متعدد اسلامی، بسوی آخوندها و مرتجعینی دراز میکنیم که با همکاری و کمک دولت آلمان و با پول و امکانات رسمی و با "احترام تمام" در این کشور فعالیت کرده و جوانان را به قتل ناموسی و زن ستیزی دعوت میکنند. اینها در کنفرانس اسلام شویبله و نشست های متعدد، نماینده مردم و نماینده مورسال و مورسالها معرفی میشوند. همین سازمانهای دوست دولت آلمان و وزیر داخله ها دستگاه مغزشویی براه انداخته و اسلام و

## فراخوان به شرکت در تظاهرات

در همبستگی با کارگران هفت تپه و برای آزادی کارگران زندانی و دستگیرشدگان اول مه، در این تظاهرات شرکت کنید!

همه مردم آزادیخواه و همچنین سازمان های کارگری را را به شرکت در این تظاهرات فرامیخوانیم.

زمان: جمعه ۶ جون از ساعت ۱۳ تا ۱۵:۳۱

محل: ژنو مقابل سازمان جهانی کار (آی ال او)

جمهوری اسلامی ایران باید از آی ال او اخراج گردد!

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران  
۱۸ مه ۲۰۰۸  
۲۹ اردیبهشت ۸۷

در همبستگی با مبارزات کارگران در ایران در تظاهرات ۶ جون در مقابل مقر سازمان جهانی کار (آی ال او) در ژنو شرکت کنید!

اجلاس سالانه سازمان جهانی کار آی ال او از ۲۸ ماه مه تا ۱۳ ماه ژوئن در ژنو برگزار میگردد. قرار است هیئت نمایندگی رژیم اسلامی ایران همچون سالهای گذشته در این اجلاس حضور بهم رساند. نباید اجازه داد سرکوبگران کارگران در آی ال او حضور یابند. رژیم اسلامی ایران بخاطر سرکوب کارگران و تحمیل بیحقوقی مطلق به آنها، باید از آی ال او اخراج گردد.

در حمایت از مبارزات کارگران،

## یک قتل ناموسی دیگر در آلمان!

چند نفر دیگر باید قربانی شوند، تا بر علیه این جنایات کار موثری انجام گیرد؟

مورسال ۱۶ ساله قربانی قتل ناموسی در شهر هامبورگ آلمان

مورسال فقط ۱۶ سال داشت. او سه ساله بود که از افغانستان به همراه خانواده اش به آلمان پناهنده شده و چند سالی بود که پاسپورت آلمانی داشت. او اسیر رفتار وحشیانه و خشونت های پدر و برادرش بود که از او میخواستند، لباس و رفتار "غربی" نداشته باشد. او بارها کتک خورده و فرار کرده بود، او بارها در مراکز اجتماعی نگهداری از زنان و دختران زندگی کرده بود و روزنامه های آلمانی نوشتند، که "خودش خواسته بود به خانه برگردد" و در نهایت قربانی جنایت برادرش شد. احمد برادر ۲۳ ساله مورسال او را

و اعلام کرد که هیچ باند ترور و هیچ فرد جنایتکاری نباید اجازه داشته باشد، کسی را بجرم نوع لباس و یا نوع رفتار آزار داده و به قتل برساند. باید اعلام کرد که

مساجد و کلاسهای قران محل تبلیغ قتلهای ناموسی است. باید همکاری و مداخلات دولت آلمان با جنبش ارتجاعی اسلامی را محکوم کرد.

گرامی باد یاد عزیز مورسال ۱۶ ساله.

هاتون را هرگز فراموش نکن! کمپین علیه قتلهای ناموسی

۱۵ مه ۲۰۰۸

دفاع از ناموس و حجاب و ضدیت با فرهنگ غربی را ترویج میکنند. قاتلین را سیاست به غایت غلط، کمک به سازمانهای اسلامی و کمک به گسترش فرهنگ و سننهای ضد زن و ناموس پرست دارد کمک میکنند و متأسفانه باید گفت تعداد زنان و دختران در معرض قتل ناموسی، هر سال بیشتر و بیشتر میشوند. کمپین "هاتون را فراموش نکن"، این قتل ناموسی را بشدت محکوم کرده و اعلام میکنند که باید به یاری زنان و دختران در خانواده های اسلامی شتافت. باید از رسانه های عمومی استفاده کرد



جلسات گفتگو با حمید تقوایی در چت روم اینسپیک و پالتاک، هر جمعه ساعت ۷ شب اروپای مرکزی

مشخصات فنی: ماهواره هات برد

فرکانس ۱۲۳۰۳ مگاهرتز

سیمبل ریت ۲۷۵۰۰

اف ای سی ۳/۴

پلاریزسیون عمودی \_ Vertical